



جامعه آرمانی ژاپن در آینه مطبوعات زنان دوره پسامشروطه

سمیه سادات شفیعی*

دانشیار جامعه‌شناسی و عضو هیئت علمی پژوهشکده مطالعات اجتماعی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

چکیده

گفتمان اصلاح‌طلبانه‌ای طرفدار تغییر وضعیت زنان که ریشه در تحولات فکری عصر مشروطه داشت، به فراخور وقایع داخلی و بین‌المللی زمانه خود از جمله موفقیت‌های نظامی و اقتصادی ژاپن، چشم‌بدان داشت تا به‌عنوان الگویی مرجح به تدریج نضج گیرد. پرسش آن است که متون به‌جامانده از مطبوعات زنان در جامعه پسامشروطه چه شناختی از تحولات اجتماعی و مناسباتی جنسیتی متناظر آن در ژاپن داشتند؟ بدین منظور، متون منتشرشده در مطبوعات زنان به‌عنوان جامعه آماری انتخاب و با بهره‌گیری از روش تحلیل اسناد، به‌صورت کیفی بررسی شده‌اند.

به‌کارگیری چهارچوب نظری «سنخ آرمانی» و بر به‌عنوان ابزار تحلیلی نشان می‌دهد که نویسندگان این نشریات، از یک‌سو با ارجاع به وضعیت زنان در جامعه ژاپن و ابعاد مختلف آن در حیطه آموزش همگانی، آموزش عالی، اشتغال، ورزش زنان و از سوی دیگر با معرفی نمونه‌هایی از زنان پیشرو، در شکل‌دهی به الگوی آرمانی از ژاپن دست به قلم برده‌اند.

طرح این مؤلفه‌ها به منزله معیارهای روشن و دست‌یافتنی را می‌توان تلاشی آگاهانه برای جهت‌دهی به ذهنیت زنان و مردان تحول‌خواهی دانست که چشم به وضعیت جوامع آسیایی داشته است و در مقابل جوامع پیشرفته غربی، نمونه مترقی شرقی را برجسته ساختند. بر این اساس خواستار تغییر نظم جنسیتی بودند و تحول ایران را در آستانه شکل‌گیری دولت مدرن، منوط به بازتعریف نقش زن و ارکان و شئون اجتماعی متناظر آن در حوزه‌های عمومی و خصوصی می‌دانستند.

کلیدواژه: مطبوعات زنان، حق تحصیل، آموزش، اشتغال، تبعیض جنسیتی، ژاپن، سنخ آرمانی، ویر، پسامشروطه

طرح مسئله

ژاپن قرن نوزدهم برای ملل آسیایی نمونه‌ای مترقی بود که در کشاکش تحولات نفسگیر این قرن علاوه بر حفظ موجودیت، به پیشرفت‌های اقتصادی درخوری نایل آمده بود. در واقع درحالی که اکثر کشورهای قاره آسیا در برابر هجومه فشارهای امپریالیستی و در میدان رقابت روسیه و بریتانیا، از نفس افتاده بودند و برتری غرب را به‌عنوان امری مسجل پذیرفته بودند، ژاپن با حفظ نظام سلطنت و ذیل برنامه اصلاحات میجی، روندی از مدرن شدن را آغاز کرد که سرنوشت ملتش را متحول ساخت. در خطه‌های دور و نزدیک اما، در مواجهه با دول متعدی و زیاده‌خواه بریتانیا و روسیه، زوال تدریجی در میان ملت‌ها و دولت‌ها سرنوشت محتوم تلقی می‌شد. ادراک این وضعیت در ایران، روشنفکران و تحصیلکردگان زمانه را به سوی پرسش از برنامه موفقیت ژاپن سوق داد. پاسخ بدین پرسش پذیرش ابعاد مترقی ژاپن را در دل خود داشت و الگویی را در اذهان نهادینه می‌ساخت که با مصادیق روشنی از مسیرهای طی شده برای پیشرفت‌های محقق شده همراه بود.

مروری بر پیشینه پژوهش بیانگر فقدان سوابق مطالعاتی بوده و ضرورت انجام تحقیق در این زمینه کمتر مورد مذاقه قرار گرفته را یادآور می‌شود. مطالعه پژوهشی مرتبط نشان می‌دهد موفقیت ژاپن در جنگ با روسیه بیش از پیش به تعالی جایگاهش در ایران انجامید. کشاورز و چایچی امیرخیز (۱۴۰۰) نشان داده‌اند که این مهم تا چه اندازه تحت تأثیر پوشش رسانه‌ای^۱، ادارکی همه فهم یافته بوده است: «تمام ناظران نزدیک به شرایط اجتماعی و سیاسی ایران سال‌های ۱۳۲۲ ه.ق و پس از آن در این امر که پیروزی‌های ژاپن بر روسیه تأثیر عمده بر روحیه جمعی مردم داشت، متفق‌النظر بوده‌اند... در واقع پیروزی ژاپن به مردم نشان داده بود که پیشرفت مختص غرب نبوده و دول آسیا با تلاش خود و ساختار مناسب می‌توانند پیشرفت کنند.» (کشاورز و امیرخیز، ۱۴۰۰: ۱۹۷) به‌زعم این محققان تأثیر موفقیت‌های این کشور آسیایی در مدرنیزم و از جمله با ساخت ابزارهای پیشرفته صنعتی با کاربرد نظامی همچون ناو جنگی، به شکل شتابانی در اذهان عمومی منطقه و جهان جایگاه بلامنازعی یافت. در نتیجه دیدگاه نامیدانه راه‌یافته به ذهن صاحب‌منصبان و صاحب‌نفوذان و به تبع آن سایرین تغییر یافت. این تأثیر از بالا به پایین ارکان اجتماعی را در نوردید: «بنابراین موفقیت ژاپن برای جنبش مشروطه یک نیروی محرک قدرتمند

۱. این موفقیت بی‌بدیل در رسانه‌های جهانی انعکاس کاملی یافت؛ ولی منبع اصلی آن در ایران روزنامه روتیز و با برنامه‌ریزی سفارت بریتانیا بود.

و غیرقابل انکار درونی بوده است که بنابر شرایط سیاسی اجتماعی به شکل طبیعی گرایشات پروتو پان آسیاییست و لیبرالیست را با خود همراه داشت» (همان: ۲۱۳)

داعیه‌های مدرن خواهانه که با ارزش‌هایی چون برابری، آزادی، استقلال و خودکفایی، علم‌گرایی و مانند آن عجین بود اقشار و گروه‌های مختلف اجتماعی را در جریان جنبش مشروطه به پرسش و بازاندیشی واداشت و هرکدام را به میزان و در سطوحی برای تحقق آرمان‌های قرین آن بسیج ساخت. در چنین فضایی بود که زنان باسواد، فرهیخته و مطالبه‌گر با درک زمینه‌های زندگی به زعم آنان فلاکت‌بار هم‌نوعان خود به دنبال راه برون‌رفت از وضعیت وخیم حاصل از فقر، بیماری، جهل و بی‌سوادی، تعدد زوجات و سیطره خرافات برآمدند. در حقیقت وضعیت اسفبار فرودستانه هم‌نوعان، زنان پیشرو و ترقی خواه را از طریق انتشار مطبوعات زنان به طرح پرسش در حوزه عمومی واداشت. انجمن‌های زنان با عناوینی چون انجمن مخدرات وطن، انجمن آزادی زنان، شرکت خواتین اصفهان^۲ تشکیل و با فراخوان و اعلام اخبار جلسات رسمیت یافت. مطبوعات زنان با درج مقالات و مطالب مختلف و از جمله با انعکاس مطالبات زنان در جهت ترویج و پژواک صدای زنان و بیان آرمان‌ها و اهداف در تهران و برخی دیگر شهرها چون رشت، اصفهان و شیراز منتشر شدند^۳. در این فضا برخی کشورهای که به‌عنوان مدل‌های موفق و مترقی در نزد عموم مطرح بودند از زاویه وضعیت زنان نیز به نشریات زنان نیز راه یافته و معرفی شدند. در حقیقت مطبوعات زنان کوشیدند با طرح موضوع و مقایسه وضعیت زنان در ایران و ژاپن، به داعیه تحول‌خواهی خود پشتوانه‌ای محکم و مستند بخشند و از این طریق علاوه بر ترغیب زنان، دست یاری به سوی آحاد جامعه دراز کنند تا در مسیری هموار و با مقصدی مشخص تغییرات وضعیت زنان و خانواده را شاهد باشند. مرور پیشینه تحقیق نشان می‌دهد این موضوع تاکنون مورد بررسی و تحقیق قرار نگرفته؛ درحالی که جای مطالعه دارد.

پرسشی که اینجا مطرح می‌شود آن است که متون به جامانده از مطبوعات زنان در جامعه پسامشروطه چه شناختی از تحولات اجتماعی و مناسباتی جنسیتی متناظر آن در ژاپن داشتند؟ وضعیت زنان در ژاپن

۲. برای مطالعه درباره مشارکت اجتماعی و حرکات ترقی خواهانه زنان بیشتر نگاه کنید به ترابی فارسانی، سهیلا (۱۳۸۸)،

تکاپوی زنان عصر قاجار فردیت جهان سنت و گذر از آن، تاریخ ایران و اسلام، ش ۲

۳. برای مطالعه بیشتر درباره مطبوعات زنان در عصر مشروطه نگاه کنید به خانیکی، هادی، کیهانی، معصومه (۱۳۹۱)، شفیعی

، سمیه سادات (۱۳۹۶، ۱۳۹۷، ۱۳۹۸). زنجانی زاده، باغدار دلگشا، (۱۳۹۴)، بهشتی سرشت، و پرویش، (۱۳۹۴). کثیری و باقری، (۱۳۹۰)

را چگونه می‌دیدند؟ وضعیت گزارش شده در مطبوعات زنان، به‌عنوان جامعه آرمانی و نمونه مثالی دربردارنده چه ویژگی‌هایی بوده است؟

هدف از مطالعه حاضر ارائه‌نمایی از افکار و اندیشه‌های زنان پیشرو و اهل قلم به‌عنوان پیشگامان جنبش اجتماعی زنان است؛ گروهی از ترقی‌خواهان که با فعالیت‌های مطبوعاتی خود تأثیر بسزایی در شکل‌گیری اذهان مخاطبان‌شان داشته و تغییرات تدریجی را در زندگی زنان و جامعه ایران شتاب بخشیدند.

روش شناسی

پژوهش حاضر با اتخاذ رویکرد تحلیل محتوای کیفی و با اتکا به تحلیل سند^۴، به بررسی محتوای درون‌متنی بررسی متون منتشرشده در نشریات زنان در بازه زمانی ۱۲۹۱ هجری شمسی تا سال‌های آغازین استقرار حکومت پهلوی اول به شیوه‌ای استقرایی پرداخته است. «تحلیل محتوای کیفی به فراسویی از کلمات یا محتوای عینی متون می‌رود و تم‌ها یا الگوهای را که آشکار یا پنهان هستند به‌صورت محتوای آشکار می‌آزماید» (ایمان و نوشادی، ۱۳۹۰: ۲۰). در این چهارچوب، داده‌ها نه صرفاً به‌مثابه اطلاعات خام، بلکه به‌عنوان برساخته‌های اجتماعی مورد تفسیر قرار گرفته‌اند؛ به‌گونه‌ای که پژوهشگر با حفظ انسجام روشی و اتکا به اصول نظام‌مند تحلیل، به فهم اصالت، دلالت‌ها و ساختارهای معنایی نهفته در متن دست یابد. «تحلیل محتوای کیفی را می‌توان روش تحقیقی برای تفسیر ذهنی محتوایی داده‌های متنی از طریق فرآیندهای طبقه‌بندی نظام‌مند، کدبندی و تم‌سازی یا طراحی الگوهای شناخته شده دانست» (سیه و شانون، ۲۰۰۵: ۱۲۷۸).

جامعه آماری تحقیق عبارت از کلیه شماره‌های منتشرشده نشریات قابل دسترس زنان در بازه زمانی انقلاب مشروطه تا تأسیس نظام پهلوی است. واحد تحلیل، مضمون در نظر گرفته شده است. در ابتدا کلیه متون در نشریات این دوره اعم از شعر و نثر و مقالات به‌طور کامل خوانده و نکته‌برداری شد. برای دستیابی به کدهای محتوا، متون چندین بار بازخوانی شدند تا لایه‌های معنایی، دلالت‌های اجتماعی و درون‌مایه‌های مسلط شناسایی شوند. پس از تشکیل کدها و کار یافتن تم‌های متن و تطبیق آنها با مفاهیم بر اساس شباهت‌ها و تفاوت‌های موجود گروه‌بندی و طبقه‌بندی متون صورت گرفت. شاخص تحلیل محتوا معیارهایی است که به‌زعم نشریات زنان این دوره واجد ویژگی‌های ممیزه جامعه آرمانی است. تحلیل در مسیر خود به فرمول‌بندی این معیارها می‌پردازد تا نقشه راهی برای دستیابی به وضعیت آرمانی

4. documentary analysis

در پیش چشم مخاطبان قرار دهد. کدگذاری، مبانی معرفی سنخ آرمانی و وجوه عالی ممیزه آن در شکل مقولات اصلی و مضامین مرتبط است که در بخش تحلیل داده‌ها ارائه خواهد شد.

چهارچوب مفهومی

سنخ آرمانی

وبر در رویکرد نظری خود جامعه‌شناسی را متوجه معانی ذهنی می‌سازد که کنشگران به کنش‌هایشان نسبت می‌دهند. در این مسیر به بیان کوزر: «بررسی جهت‌گیری‌های متقابل این کنش‌ها را در چهارچوب زمینه‌های تاریخی اجتماعی از سوی کنشگران ارزش مطالعاتی می‌یابد.» (کوزر، ۱۳۸۲: ۳۰۰) وبر از این منظر به اعتلای رویکرد تفسیرگرایی در جامعه‌شناسی کمک بسزایی کرد. او که وابسته به ارزش بودن مسائل مورد بررسی را محرز می‌داند، ربط ارزشی را متوجه انتخاب مسئله تحقیق می‌شمرد و آن را در تفسیر پدیده‌ها وارد نمی‌داند.

او در مباحث نظری خود به طرح مفاهیم مهمی همت می‌گمارد. از جمله سنخ آرمانی، نمونه ناب یا تیپ ایده‌آل که از نقاط عطف مباحث روش‌شناسی وی محسوب می‌شود. «نمونه آرمانی یک ساختار تحلیلی است که کار یک گز زمین‌پیمایی را برای یک پژوهشگر انجام می‌دهد. او با این وسیله می‌تواند همانندی‌ها و انحراف‌ها را در موارد عینی تشخیص دهد. وبر تصریح دارد که سنخ آرمانی فرضیه نیست؛ بلکه راهنمای ساختن فرضیات است و همچنین سنخ آرمانی توصیف واقعیت نیست؛ بلکه ابزاری صریح و عاری از ابهام برای بیان چنین توصیفی است. (کلانتری و میرزایی، ۱۳۹۵: ۱۴)

یوناس نمونه‌های آرمانی را ابزاری می‌داند که می‌توانند روابط واقعی را به شکلی منطقی قابل فهم سازند. سازه‌های فکری که به‌عنوان ابزاری جهت‌راه‌یابی به جهانی پر از تجلیات مختلف طراحی می‌شوند. «این سازه‌ها را نباید با فرضیه‌هایی پیرامون واقعیت‌های موجود یکی دانست؛ بلکه آنها باید فرضیه‌ها را به هدف‌های موفقیت‌آمیزتری هدایت کنند. نمونه آرمانی از دیدگاه وبر در همه جا عنصر مکمل شناخت علمی است و در همین راستا نمونه‌های آرمانی را می‌توان به بیان وبر همچون بندرهایی توصیف کرد که به آدمی می‌آموزند در دریای عظیم واقعیت‌های تجربی چگونه باید سفر کند.» یوناس ادامه می‌دهد: «نمونه‌های آرمانی را باید اولین قطب‌نمای جهت‌یابی دانست که چشم‌اندازی علمی پیش چشم انسان می‌گشایند که به‌واسطه استفاده از قوانین تجربی قابل دستیابی هستند. چگونگی ساخت نمونه آرمانی، نخستین قدم آزمایشی استفاده از فکر و اندیشه است که به کمک آن می‌توان به فهمی

عقلانی از وضعیتی مشخص دست یافت.» (یوناس، ۱۳۸۹: ۲۲۷)

وبر می‌نویسد: «تیپ ایده‌آل از تأکید یک جانبه بر یک یا چند دیدگاه حاصل می‌شود. این امر از طریق ترکیب شمار زیادی از پدیده‌های منفرد انضمامی به دست می‌آید که در واقعیت، پراکنده و منفصل و کم و بیش موجود و گاهی ناموجودند و بر مبنای همان دیدگاه‌های مذکور در یک برساخته تحلیلی واحد، مرتب می‌شوند. این برساخته ذهنی به مفهوم خالص خود در عالم واقع و به صورت تجربی هیچ‌جا یافت نمی‌شود و از این نظر یک یوتوپیا است.» (وبر، ۱۳۸۴: ۱۴۱)

ریمون آرون در تنویر نوع عالی در نزد وبر می‌نویسد: «منظور از گرایش به بازسازی نوع عالی در همه مفاهیم بکار رفته در علوم فرهنگ این است که کلیه این نوع مفهوم‌ها خواه مفهوم دین، سلطه، نبوت و مانند آن از نوعی پرداخت ذهنی یا عقلانیت برخوردار هستند... نوع عالی مفهوم تاریخی جامعه تمام خصلت‌های کلیه افراد مشمول در گستره خود یا معرف میانگین خصلت‌های آنان نیست؛ بلکه ناظر بر خصلت نوعی یا خصلت ذاتی است. هنگامی که گفته می‌شود فرانسویان بی‌انضباط و باهوش هستند. منظور اینکه «همه فرانسویان بی‌انضباط و باهوش باشند»، که امریست نامحتمل، نیست. منظور بازسازی یک فرد تاریخی یعنی فرانسوی نوعی است و این کار با انگشت گذاشتن بر برخی خصلت‌ها که به نظر می‌رسد خصلت‌های نوعی بوده و اصالت فرد را تعیین می‌کنند، انجام می‌گیرد... خواه سخن بر سر دیوانسالاری یا سرمایه‌داری باشد یا بر سر نظام دموکراتیک یا ملتی معین، مثلاً ملت آلمان، در هر صورت مفهوم تاریخی مفهومی است که با خصلت‌های مشترک همه افراد، یا به میانگین خصلت‌های آنان کاری ندارد، بل مبتنی بر نوعی بازسازی پرداخت یافته ذهنی یا بیرون کشیدن خطوط بارز نوعی است.» (آرون، ۱۳۷۷: ۵۸۸-۵۹۰)

وبر به صراحت ایده‌آل و آرمانی بودن را از قضاوت ارزشی جدا کرده و تنها کمال منطقی برای آن قائل است. «یک بار دیگر تکرار می‌کنم که سنخ آرمانی مورد نظر ما هیچ ربطی به قضاوت‌های ارزشی ندارد و هیچ اشاره‌ای به هیچ‌گونه کمالی بجز کمال صرفاً منطقی نمی‌کند. همانطور که می‌توان برای ادیان سنخ آرمانی ساخت برای عشرت‌کده‌ها نیز می‌توان؛ خواه عشرت‌کده‌هایی که به لحاظ سلامت اخلاقی یا نقطه‌نظرهای تکنیکی دیگر مصلحتی هستند؛ خواه آنهایی که کاملاً خلاف چنین ملاحظاتی باشند.» (وبر، ۱۳۸۴: ۱۵۳) براساس چهارچوب مفهومی با کاربست سنخ آرمانی، ابعاد تمایزبخش آن معرفی و تشریح خواهد شد.

تحلیل یافته‌ها

در ادامه اهم مطالب برآمده از مطبوعات زنان بر حسب دو مقوله اصلی معرفی ژاپن به‌عنوان سنخ آرمانی و نیز وجوه عالی ممیزه نمونه ایده‌آل در قاب مقولات فرعی مرتبط ارائه می‌شود.

۲- سنخ آرمانی

۱-۲: ژاپن؛ سنخ شرقی آرمانی

ژاپن کشوری نام آشنا برای جامعه ایران بود و به‌ویژه به‌عنوان کشوری که با اتکا به نیروهای ملی توانسته بود پیشرفت‌های چشمگیری حاصل آورد، از شهرت و آوازه در خور توجهی در ایران برخوردار بود. در حقیقت با شروع دوران زمامداری میجی، آنچه تحت عنوان اصلاحات میجی (۱۸۶۸-۱۸۸۹، ۱۲۸۴-۱۳۰۶ه.ق) نامیده می‌شود زندگی آحاد ملت از جمله زنان را دگرگون ساخت. آموزش زنان تحت تأثیر فلسفه‌های غربی که برابری جنسیتی را ترویج می‌کردند، در طول این دوره آغاز شد... قانون آموزش و پرورش سال ۱۸۷۲، ۱۲۸۹ ه.ق، آموزش ابتدایی عمومی را برای پسران و دختران الزامی کرد.^۵ دستور مدارس عالی دخترانه که در سال ۱۸۹۹، ۱۳۱۶ ه.ق تصویب شد، آموزش متوسطه را به یک سیستم سه جانبه متشکل از مدارس راهنمایی، مدارس حرفه‌ای عملی و دبیرستان‌های دخترانه بدل ساخت... اولین مؤسسه آموزش عالی برای زنان، مدرسه عادی زنان توکیو (که بعدها به عنوان مدرسه عالی زنان توکیو و در حال حاضر دانشگاه اوچانومیزو شناخته می‌شود) در سال ۱۸۷۵، ۱۲۹۱ ه.ق تأسیس شد. دولت در سال ۱۹۰۳ در پاسخ به تقاضا برای منابع انسانی با آموزش تخصصی، دستور کالج حرفه‌ای را صادر کرد. این دستور به فارغ‌التحصیلان دوره راهنمایی یا دانش آموزان دبیرستان دخترانه اجازه می‌داد تا آموزش‌های تخصصی را در موضوعات مختلف، از جمله پزشکی، داروسازی، حقوق، مهندسی و تجارت دریافت کنند. در آغاز قرن بیستم، شش مؤسسه آموزش عالی خصوصی تأسیس شدند. (نای، ۲۰۲۴: ۹۰) با اینهمه دختران اجازه ورود به دانشگاه‌های امپراتوری را تا اواسط قرن بیستم نیافتند.

تغییر چشمگیر دیگر، ظهور دختران کارخانه بود که از روستاهای فقیر از مناطق کوهستانی برای کار راهی صنایع ریسندگی و نساجی شده و به‌عنوان کارگر استخدام می‌شدند. در طول دوره شکل‌گیری

۵. برای مطالعه بیشتر بنگرید به

Marina Teresinha De Melo Do Nascimento, "Women's Liberation in Meiji Japan: Ruptures in Cultural Conceptions of Female Education, Social Roles, and Political Rights." *Intercultural Relations* 4, no. 2 (8), 2020, pp. 151-175.

سرمایه‌داری در دوران میجی، ابریشم خام و نخ پنبه‌ای از محصولات اصلی صادراتی به شمار می‌رفت. با ارزش خارجی حاصل از این تجارت، دولت مواد اولیه، ماشین‌آلات را برای نوسازی صنعتی ژاپن خریداری کرد. این کارگران زن در کارخانه‌های نساجی بودند که زمینه‌سازی ظهور سرمایه‌داری ژاپن را بر دوش کشیدند. از جمله در ۱۸۷۲، ۱۲۹۸ ه.ق دختران کم‌سن و سال برای کار در صنایع نساجی از سراسر کشور در کارخانه‌های پنبه گرد هم آمدند. (واتانابه، ۲۰۱۱) با توجه به این مدل جدید، زنان از دهه ۱۸۸۰ برای موفقیت دوره «بازسازی میجی» و اقتصاد ژاپن مهم بوده‌اند. در دوره توکوگاوا، زنان جوان به عنوان کارگران «دکاسگی» به شهرها فرستاده می‌شدند، جایی که برای تأمین درآمد اضافی برای خانواده در خانه کار می‌کردند (جکوب، ۲۰۱۵ به نقل از تسورومی، ۱۹۹۰، ۱۰).

ژاپن در مقطع مورد نظر این پژوهش کشور آسیایی به نظر می‌رسید که در نسبت با سایر کشورهای منطقه در مدار سرمایه‌داری با سرعت پیش می‌رفت.

توجه دادن به وضعیت زنان بر اساس این سابقه ذهنی در امتداد موفقیت‌های این کشور طرح و ترویج می‌شد. شکوفه به‌عنوان طلوع‌دهنده‌دار نشریات زنان در سال اول فعالیت خود (۱۳۳۱، ۱۲۹۱ ه.ق) با مخاطب قراردادن زنان و با معرفی این کشور به‌عنوان کشوری مترقی، ترقی این کشور را نتیجه گسترش تحصیلات در آن مملکت می‌داند: «مملکت ژاپن ترقی نکرد مگر بعد از این که سی هزار دختر و پسر دیپلمه‌دار تربیت شده از مدارس اربابی و غیره بیرون آمد» (شکوفه، س اول، شماره ۶: ۲).

همچنین در شماره نخست پیک سعادت نسوان (۱۳۰۶، ۱۳۴۶ ه.ق) از ژاپن در میان ممالک متمدنه نام برده شده و می‌خوانیم: در مطلب «مقایسه نسوان ایران با زنان ممالک متمدنه» به مقایسه وضعیت این مملکت فقیر و وامانده از شاهراه ترقی با وضعیت ترقیات روزافزون ممالک اروپا و امریکا و ملل مترقی مشرق از قبیل مصر و ترکیه جوان و ژاپن توجه شده است. (پیروزی و میرزائزاد، ۱۳۹۳: ۳۸)

استفاده از واژه ترقی در معرفی ژاپن و تأکید بر مؤلفه‌های جامعه‌ی این پیشرفت در ارتباط با زنان، نوعی شرایط مطلوب را استعلا می‌بخشد که به‌زعم نویسندگان مطبوعات زن می‌تواند به‌عنوان نمونه مثالی برای مخاطبان ایرانی قابل ارجاع تلقی شود. این روند در مطبوعات زنان تا سال‌های آغازین پهلوی اول ادامه داشت و در مطلبی به قلم کتایون سروشیان از کرمان درباره مساعی زنان در نهضت احقاق حقوق و برابری جنسیتی می‌خوانیم: «... این نهضت بزرگ که تا دیروز منحصر به نسوان مغرب زمین بود و متأسفانه مشرق زمینی‌ها از آن محروم بودند کم‌کم نفوذ خود را در میان این‌ها نیز بخشیده و کار خود را کرده است چنان که از پرتو همین نهضت زنان ژاپنی امروزی را زنان چند سال قبل نمی‌توان

مقایسه کرد... (عالم نسوان، ش ۶، ۱۳۰۷: ۲۰۲)

به روشنی از این گزاره‌ها و نیز مطالبی که در ادامه می‌آید می‌توان دریافت از نظر نویسندگان ژاپن به‌عنوان نمونه‌ای موفق در میان جوامع شرقی دانسته شده که با تن دادن به اصلاحات اجتماعی ضمن حفظ استقلال ملی، مسیر ترقی را طی کرده و در این میان وضعیت زنان مطلوب و از جوانی قابل پیروی است.

۲-۲. وجوه عالی ممیزه ممالک ایده‌آل

اما ژاپن به‌عنوان جامعه آرمانی از چه لحاظ برای جریان جنبش اجتماعی تحول‌خواهانه زنان مهم دانسته شده و در مطبوعات آنان معرفی شد؟ هر کدام از وجوه مهم شمرده شده نشان از فاصله وضعیت تجربه شده زنان در ایران آن روزگار با تجارب منتقل شده از زندگی زنان در ژاپن دارد.

۲-۲-۱: برخورداری زنان از حق تحصیل

درحالی‌که موضوع عدالت با آرمان‌های مشروطه‌خواهی ممزوج بود و به‌عنوان مطالبه ملی اهمیت یافت، برخورداری از حق برابر تحصیل و عدالت جنسیتی در آموزش اولییتی فراگیری برای فعالان و حامیان حقوق زنان در جامعه پسامشروطه یافت. در این میان وضعیت ژاپن تحسین‌برانگیز می‌نمود. هرچند در ژاپن قانون آموزش ابتدایی عمومی الزامی برای دختران و پسران (مصوب ۱۸۷۲، ۱۲۸۹ ه.ق) در ابتدا با مقاومت روبرو شد، به طوری که تنها حدود ۶٪ از دختران در سن مدرسه ابتدایی در سال ۱۸۷۳ (۱۲۹۰ ه.ق) در مؤسسات آموزشی دولتی ثبت‌نام کردند. با این وجود، این جنبش شتاب بیشتری گرفت و تا پایان دوران میجی (۱۹۱۲، ۱۳۳۰ ه.ق)، تقریباً ۹۷٪ از دختران در مدارس دولتی ثبت نام کردند.^۶ (نایی، ۲۰۲۴: ۹۱)

اخبار ترقیات نسوان ژاپن با مضمون دسترسی به آموزش و مواهب تحصیل، در ایران پژواک قابل تاملی می‌یافت: «از آنجایی که اخیراً اهمیت وجود نسوان در هیئت اجتماعی و لزوم اعتراف حقوق آنان در جامعه بشریت ثابت و مبرهن گردیده و علت‌العلل عقب ماندن ملل آسیا و آمریکا از سایرین همانا عدم التفات به این مسئله حیاتی و پیش افتادن ژاپن نیز به‌واسطه اهمیت دادن به تعلیم یکسان در میان مردان و زنان بوده است و بس و بالاخره فهمیده شد راستی و اهمیت گفته اروپاییان: مشرق محکوم به

۶. برای مطالعه بیشتر بنگرید به

M. Amano, *Joshi kouto kyouiku no zahyou* [Issues of women's higher education]. Tokyo: Kakiuchi Shuppan, 1986.

قیومیت مغرب است؛ زیرا که آن مسجل کرده بر خود جهالت نصف خود را (یعنی زن)، کارکنان نامه بانوان پیشنهاد می‌نمایند که در پایتخت‌های تمام ممالک آسیا و آمریکا هیئتی از نمایندگان ممالک مزبوره که در آن پایتخت‌ها اقامت دارند تشکیل بیاید و سپس هر یک روزنامه مخصوص این کار تأسیس نموده، شروع کنند به مکاتبه و تبادل افکار با ممالک دیگر تا در نتیجه یک اساس محکم و شالوده‌ی استواری برای این کار گذارده شود.» (نامه بانوان، ۱۲۹۹، ش ۸: ۸)

«ملکه ژاپن چند نفر از دختران ژاپونی را در سال ۱۸۷۱ [به خرج خود] به ولایت متحده فرستاد که در آنجا به تحصیل علوم و معارف و تهذیب اخلاق و تعلیق دقایق و حقایق مدنیت بپردازند و این اقدام موجب آن شد که وزرا و امرا و اعیان و تجار و کسبه ژاپونی تمامی تقلید نموده و دختران خود را به همان قصد به بلاد آمریکای شمالی فرستادند و در حقیقت سبب اصلی احیای ژاپن و ترقیات محیرالعقول این مملکت از اثر این اقدام ملکه است.» (شکوفه، س دوم، ش ۹: ۳)

عالم نسوان در گزارش مفصلی ذیل «اخبار ترقیات نسوان؛ معارف نسوان ژاپون» با مروری بر وضعیت آموزش زنان در ژاپن، درباره تحولات به‌عنوان الگویی مرجح می‌آورد: «از جمله تأثیرات مهمی که جنگ بین‌الملل در حیات ملت ژاپون بخشیده همانا توسعه معارف آن مملکت و ترقی معارف نسوان خصوصاً می‌باشد. در این دو سال اخیر بر عده شاگردان مدارس ژاپون صدی نود و هشت افزوده شده و دوره تحصیلات دختران دو سال زیادتر شده... (عالم نسوان، ش ۱، ۱۳۰۰: ۲۸)

موضوع آموزش زنان در ژاپن محدود به آموزش ابتدایی نماند و خیلی زود آموزش آنان برای دوره متوسطه در ژاپن اهمیت فراوانی یافت. «با تصویب دستور مدارس عالی دخترانه در ۱۸۹۹ (۱۳۱۷ ه.ق)، مدارس راهنمایی دخترانه به "مدارس عالی" تبدیل شدند، در حالی که مدارس راهنمایی پسرانه همچنان به عنوان "مدارس راهنمایی" شناخته می‌شدند. هدف از این امر این بود که آموزش دوره راهنمایی بالاترین سطح آموزشی باشد که دختران باید قبل از ازدواج در آن زمان دریافت می‌کردند... در آغاز قرن بیستم، شش مؤسسه آموزش عالی خصوصی تأسیس شدند، از جمله: دانشگاه زنان ژاپن^۷، کالج زبان انگلیسی زنان تسودا^۸، کالج تخصصی زبان انگلیسی زنان آئویاما^۹، کالج ویژه زنان کوبه^{۱۰}، کالج زنان

7. Japan's Women's University
8. Tsuda Women's English College
9. Women's Specialized English College of Aoyama
10. Kobe Women's Special College

دوشیشا^{۱۱}، کالج پزشکی زنان توکیو^{۱۲}، مدرسه عالی تخصصی قلب مقدس^{۱۳} و کالج مسیحی زنان توکیو^{۱۴}. این کالج‌های زنانه، دانش‌آموزان نخبه منتخب را در رشته‌هایی مانند علوم انسانی، اقتصاد خانواده، رفاه اجتماعی، داروسازی و علوم آموزش می‌دادند.» (نایی، ۲۰۲۵)

پیک سعادت نسوان با اشراف اطلاعاتی از وقوع چنین تحولاتی در ژاپن در شماره دوم خود منتشره به تاریخ دی‌ماه ۱۳۰۶ (۱۳۴۶ ه.ق) می‌آورد: «از بدیهیات است که زن هم مثل مرد دارای استعدادی است که باید از آن برای منافع اجتماعی استفاده شود. دول حیه همان تدارکاتی که برای تربیت جنس ذکور جهت انجام وظایف دیده اند، همان اندازه برای تربیت نسوان بذل مساعی می‌نمایند... در ژاپون که قافله سالار و پیش قراول تربیت و ترقی نسوان در آسیا است، دارالفنون مخصوصی برای نسوان موجود است که نظیری در آسیا برای آن تصور نمی‌توان نمود. عده محصلات ژاپونی بر حسب احصائیه وزارت معارف ژاپون در سنه ۱۹۲۶ به ۴۵ هزار نفر بالغ و با میل مفرط نسوان ژاپونی به تربیت و تحصیل، یقیناً تا کنون به ۵۰ هزار نفر رسیده است» (پیروزی و میرزائزاد، ۱۳۹۳: ۷۱).

از بررسی مطالب بالا می‌توان دریافت علاوه بر طرح اهمیت دسترسی زنان به آموزش همگانی از سوی مطبوعات زنان، موضوع علم‌باوری به‌عنوان یک ارزش مدرن در کنار برابرخواهی مطرح و دنبال شده و از این نظر همسو با جریان روشنفکری ترقی‌خواه عمل کرده است. واژگانی چون دول حیه، قافله‌سالار و پیش قراول تربیت و ترقی نسوان در آسیا، پیش افتادن ژاپن تداعی‌گر ارزش پیشرفت باوری به‌عنوان یکی دیگر از ارزش‌های مدرن است.

۲-۲-۲: کاهش تبعیض جنسیتی در حوزه عمومی از طریق ترویج حق آموزش و اشتغال زنان

کاهش تبعیض جنسیتی به‌زعم مطبوعات زنان دوره پسامشروطه، مستلزم اعطای حق فعالیت زنان در حوزه عمومی در زمینه آموزش و اشتغال بوده است. فعالان حقوق زنان کوشیدند در خلال متون مطبوعاتی و با ارائه مصادیق جامعه آرمانی به معرفی مضمون فرصت‌های حضور زنان در حوزه عمومی به‌عنوان راه‌های برون‌رفت از وضعیت تبعیض جنسیتی را معرفی کنند؛ لذا با برجسته‌سازی وجوهی از زندگی اجتماعی زنان در ژاپن منظومه‌ای مشتمل بر مؤلفه‌های ظاهراً مجزا اما در باطن عمیقاً بهم پیوسته

11. Doshisha Women's College
12. Tokyo Women's Medical College
13. Sacred Heart Specialized Higher School
14. Tokyo Woman's Christian College

را در پیش چشم مخاطبان نهادند که در تلاقی حضور پررنگ زنان در حوزه عمومی و خصوصی به رفع تبعیض جنسیتی می‌انجامد. در نتیجه در حالی که از موضوع ضرورت حق برخورداری زنان از آموزش همگانی با معرفی آموزش ابتدایی و متوسطه سخن گفتند، بدان بسنده نکرده و موضوع اشتغال زنان در ژاپن را به عنوان نقطه عطفی مطرح و ابعاد آن را برجسته ساختند.

زنان ژاپن در دوره پیشاصنعتی زنان غالباً در صنایع خانگی (home-based industry) اشتغال داشتند و به فعالیت در صنایع روستایی نساجی، ریسندگی، و کارگاه‌های خانگی می‌پرداختند. حضور زنان در مشاغل مزدبگیری شهری اندک و بیشتر محدود به خدمتکاری خانگی بود؛ مشاغلی که در آمارهای رسمی نمی‌آمد. از دهه ۱۸۸۰ به بعد، صنایع ابریشم‌تایی و پنبه‌ریسی بازوی اصلی صنعتی شدن ژاپن شد. اکثر کارگران این صنایع را دختران جوان تشکیل می‌دادند؛ لذا می‌توان گفت هسته اصلی نیروی کار صنعتی ژاپن را زنان تشکیل دادند. اینگونه، صنعت پنبه‌ریسی به شکلی رشد کرد که در دهه ۱۹۳۰ ژاپن بزرگ‌ترین تولیدکننده جهان شناخته می‌شد.^{۱۵}

طرح موضوع اشتغال زنان در ایران دوره پسامشروطه اهمیت خاصی دارد؛ زیرا اولین مواجهه برای به چالش کشیدن کلیشه جنسیتی زن خانه نشین در تاریخ معاصر محسوب می‌شود. در مطبوعات زنان به نوعی ولو اندک از ابعاد حضور حرفه‌ای زنان یاد شده و نشان داده شده چگونه موضوع اشتغال زنان ژاپن فراتر از احراز مناصب کارگری می‌تواند در تغییر نظم جنسیتی مسلط تأثیرگذار باشد.

در شماره سوم جهان زنان و ذیل عنوان زن در قرن بیستم پیش‌بینی از مجله الهلال منتشره در مصر که به‌زعم مترجم قسمی از آن با مضمون تخصص‌گرایی زنان در ژاپن صورت وقوع یافته، آمده: «در قرن بیستم زن‌ها دارای مراتب و شئون بزرگی شده طرفداران آنها زیاد و مطالبه تساوی حقوق زن و مرد را خواهند نمود و بالاخره به این مقصود نائل شده حقوق سیاسی و اجتماعی زنان بدون فرق و تفاوت با مردها کاملاً مرئی می‌شود و در امور عقلیه و عملیه نیز شرکت کرده و مسابقه خواهند نمود. حتی در مشرق هم این مرام پیشرفت خواهد کرد و پیشرو مشرقی‌ها در اجرای این مرام دولت ژاپون است که امروزه ۱۳۰ نفر زن طبیبه در آن مملکت مشغول طبابت هستند و همه روزه عده‌شان رو به تزاید است.» (جهان زنان، ش ۳، ۱۳۰۰: ۶۱)

در ذیل اخبار ترقی نسوان درباره مضمون کاهش شکاف جنسیتی در آموزش می‌خوانیم: «یکی از

۱۵. برای مطالعه بیشتر بنگرید به:

Hunter, Janet (1993). *Japanese Women Working*, Routledge.

نسوان ژاپن اخیراً در مجله می‌نویسد زنان ژاپن در حال حاضر پایه خود را به مقام مردان رسانده و برای حیات ملی مساعی جمیله به‌کار برده و تربیت را اولین قدم پیشرفت منظور خود در ترقی قرار داده‌اند؛ به‌طوری که دختر و پسر در سرتاسر مملکت مزبور دارای معلومات ابتدایی اجباری از ۳۵ سال قبل به این طرف شده‌اند تحصیلات عالی نیز برای نسوان روز به روز رو به تکثیر گذارده و حتی بعضی دوره‌های دارالفنون‌های امپراتوری نیز به روی زنان باز شده است و تربیت مردان بالاخره به آنها فهمانده است که از زن‌ها علاوه بر مادر اطفال بودن چیزهای دیگری بخواهند... زنان ژاپن الان دارای حرفه شده و عده ایشان که داخل دنیای تجارت شده‌اند دائم‌التزاید است. طوری که جرائد عمده دارای مدیران و مخبران زن و نویسندگان معروف از جنس آنهاست و اغلب پرستارهای تعلیم‌یافته و تلفنچی‌ها و ماشین نویس‌های مملکت مزبور را نسوان تشکیل و تقریباً یک میلیون زن به حکم امروز در کارخانجات ژاپن مشغول چشیدن لذت آزادی اقتصادی هستند.» (عالم نسوان، ش ۶، ۱۳۰۴: ۱۷-۱۸)

در مطلبی با عنوان نسوان ژاپن مضمون کاهش شکاف جنستی در مشارکت اقتصادی آمده: «رپورت احصاییه کارگران ژاپن تقریباً شامل است که میلیون زن مزدور با صنایع یدی مشغول کار می‌باشند و به علاوه ۶ میلیون زن دهقان به کارهای زراعتی اشتغال دارند عده معلمان مدارس عالی و متوسطه و ابتدایی دخترانه به ۷۸۰۰ بالغ است و عده مستخدمات ادارات دولتی ژاپن به ۴۵۰۰ نفر رسیده است. عده کثیر دیگری از زنان در ژاپن به کارهای تجارتي در کارخانجات کمپانی‌ها و معادن اشتراک جسته‌اند.» (عالم نسوان، ش ۳، ۱۳۰۵: ۹۱-۹۰)

در شماره دیگری از همین نشریه، در سال بعد آمده: «اولین وسیله که باعث گشودن درب تمدن به روی زنان ژاپن شد تحصیل علم طب و طبابت بود و او نیز دارالفنونی برای تحصیل طب در توکیو تأسیس نمود. عاطفه و حس فداکاری و نوپرووری در قلوب زنان و دختران ژاپن باعث تحصیل این علم گشته و کم کم بعدها محصلات و دکترس‌ها در ژاپن افزوده گردید... در ۱۹۱۹ بعد از جنگ بین‌الملل عده‌ای از دختران به تحصیل علم دندانسازی پرداخته و مدرسه عالی برای تکمیل این فن تأسیس شد و امروز عده زنان دندانساز به ۵۰۰ نفر می‌رسد. ازدیاد و عملیات جدی پرستاران هم بسی جالب توجه است. امروزه متجاوز است ۳۵۰۰۰ پرستار عالمه در ژاپن می‌باشد. در شهر اوزکا ۳۰۰ مؤسسات و مجامع است که هر کدام دارای ۲۰ نفر پرستار ماهر و عالی می‌باشند. یکی کمک به عایدی ماهیانه فامیل‌هایشان و دیگری خدمت و فداکاری به جامعه انسانیت. قریب صدها زن دواساز در ژاپن موجود است و عده آنها که امتحان داده و تصدیق گرفتند به ۳۰۰۰ نفر می‌رسد... جدیداً زنان ژاپن به شغل نویسندگی و

جراید نگاری هم مشغول شدند و امروز بیش از صد نفر زن شغل نویسندگی دارد. مجلات و روزنامه‌جات راه دخول زنان را در مجامع باز نمود. در حکومت ژاپن چندین نفر از زنان با قابلیت سمت منشی‌گری و غیره را دارا هستند. چند قسمت پستخانه کلیه به استخدامین زن اداره می‌شود. در اداره پلیس زن بیش از مرد اظهار لیاقت نموده و جای آنها را اشغال کرده‌اند. زنان ژاپن امروز در تمام مشاغل با مردان شرکت جسته در طبابت، تجارت، اتومبیلرانی و مشاغل دولتی و غیره کار نموده مبلغ زیادی در ماه موجب می‌گیرند. حتی خانم‌هایی که از خانواده‌های متمولین و دولتمندان می‌باشند و سابقاً کار را عیب و ننگ دانسته به مردان کارگر با چشم تحقیر نگاه می‌کردند امروز در پشت میزها نشسته در تمام مشاغل به جامعه اشتراک مساعی می‌نمایند. مردان ژاپنی این ترقیات را هنوز هم دوست ندارند و اظهار مخالفت می‌نمایند ولی زنان شجاع شرافتمند ژاپن با صداهای عملی در عرصه جامعه فریاد کرده به مردان حریت، معدلت و تساوی حقوق افراد بشر را بدون تبعیض نو و جنس اعلام می‌نمایند.» (عالم نسوان، ش ۸ و ۷، ۱۳۰۶: ۲۶۷-۲۶۵)

نویسندگان با توجه بخشی به موضوع مطالبه و نیل زنان به حقوق سیاسی و اجتماعی، این مهم را به‌عنوان ویژگی شاخص جامعه آرمانی ژاپن برجسته ساخته‌اند. کوشش برای حیات ملی از مسیر همطرازی آموزشی دو جنس، حرفه‌مند شدن زنان، در نهایت موجب ورود آنان به عرصه عمومی شده است. گزارش مطبوعات زنان ایران در دوره پسامشروطه نشان می‌دهد زنان شاغل در ژاپن در حرفه‌های روزنامه‌نگار، نویسنده، پرستار دانش آموخته، ماشین‌نویس، تلفنچی، پزشک، داروساز، تاجر، کارگر صنعتی، کارمند دولت، مؤسس مدرسه و معلم، کارمند اداره پست و پلیس مشغول به کار بوده‌اند.

۲-۲-۳: مشارکت اجتماعی مدنی زنان

مشارکت مدنی

یکی از مهمترین جلوه‌های مترقی جامعه ژاپن از منظر مطبوعات زنان دوره پسامشروطه، حضور پررنگ زنان در فعالیت‌های مدنی و عام‌المنفعه است؛ موضوعی که از دغدغه‌های اصلی زنان در حرکت‌های جمعی خیرخواهانه در جهت تخفیف آسیب‌های اجتماعی ایران معاصر به شمار می‌رود. «انجمن نسوان در ژاپن جدیداً شورشی کرده و ده هزار نفر از زنان به پارلمان رفته و چهار موضوع ذیل را درخواست نمودند: اولاً مواقع فروش مشروبات الکلی را تعیین کرده که در غیر آن ساعات به فروش نرسد. ثانیاً مقدار فروش آن را معین نموده که هرگاه بیش از آن بفروشنده مجازات شوند. ثالثاً فروش آن

در پارلمان به کلی ممنوع باشد. رابعاً اشخاص نابالغ یعنی کسانی که به سن هیجده یا بیست و یک نرسیده‌اند حق خریدن آن را نداشته باشند.» (عالم نسوان، ش ۴، ۱۳۰۰: ۲۷)

همچنین این دست مشارکت مدنی زنان ژاپنی با فعالیت در زمینه مددکاری اجتماعی در جهت رفع آسیب‌ها نیز برای همتایان ایرانی قابل تحسین و گرده‌برداری بوده است.

در متن شرح مفصلی از خدمات مادام‌ازل‌هایشی که در زمینه مشارکت اجتماعی با کوشش و تعهد بسیار دارالایتمی را مشتمل بر ۱۳۰ کودک تحت مدیریت دارد، می‌خوانیم: «او برای جلوگیری از عمل شنیع فحشا عده کثیری از زنان را با خود همراه کرده که دو دفعه متحداً در کوچه و بازار اجماع نموده بر صدوسی خانه که محتوی هزار و صد فاحشه بود حمله کرده و همه را از شهر بیرون کرده.» (عالم نسوان، ش ۴، ۱۳۰۰: ۲۶)

این دست حرکت‌های جمعی زنان در جامعه دوران جنگ ژاپن در شکل حمایت از نیروهای ملی اثرات چشمگیر خود را داشته و از منظر مطبوعات زنان قابل تأسی است: «...در جنگ روس و ژاپن زن‌های ژاپنی هرچه توانستند به قشون مدافع وطن خود کمک کردند و حتی وقتی شنیدند که سربازان در میدان برای کشیدن توپ احتیاج به طناب دارند تمام نسوان گیس‌های خود را بریده و به جای طناب به میدان می‌فرستادند که مبادا در عملیات تعویقی رخ دهد.» (عالم نسوان، ش ۳، ۱۳۰۸: ۱۲۸)

مشارکت اجتماعی سیاسی

تحولات وضعیت زنان در ژاپن حوزه حقوق مدنی و سیاسی را درنوردیده و از این رو زبانزد زنان ترقی‌خواه ایران به شمار می‌رفته است: «قانون تا دو سال قبل مانع مداخله جنس نسوان در عالم سیاست و دخول آنها به مجلس بود ولی از آن تاریخ به بعد نسوان مجازند در کلیه تجمعات سیاسی شرکت نمایند... یکی از دلایلی دال بر اقدامات وسیعه قسمت نسوان در اشتراک زندگانی کنونی است تشکیل کلوب‌ها و مجامع متنوع است. چنانکه خیلی از نهضت‌های اصلاحی از آنها نشئت و تراوش یافته و زن‌های عیسوی‌آیین مملکت مزبور را در شهرهای بزرگ بذل جهد کرده و زن‌های حقوق‌طلب ژاپن مشغول تهییج افکار عمومی برای اخذ و تحصیل تصاویر در حقوق هستند و به وسیله همین مجامع بود حدود حدودات مقرر برای نسوان که وارد مجامع بودند لغو و به وسیله زنان صلح‌طلب است که اخیراً کتب تدریس و مخصوصاً قسمتی از آنها که اختصاص به تعریف و تمجید قهرمانان و جنگ داشت امعان نظر شد و در مراکز صنعتی نیز به واسطه تشکیل اتحادیه‌ها موفق به ایجاد بهبودی کارگران خود شده و در زندگی فلاحتی نیز از خود عرضه وجود کردند.» (عالم نسوان، ش ۶، ۱۳۰۴: ۱۹-۱۷)

مطالب بالا نشان می‌دهد موضوع تغییر نظم جنسیتی زنان در ژاپن به‌عنوان نمونه مطلوب در گروهی حرکت‌های جمعی زنان و مشارکت‌های اجتماعی آنان در سطح حوزه عمومی بوده و می‌تواند از این موضع برای تغییرات قانونی به نفع زنان بهره برد. طرح این دست موضوعات با هدف آشناسازی اذهان عمومی اعم از زن و مرد در جهت ترغیب آنان به ایجاد مناسبات جدید و مبتنی بر ظرفیت و استعدادها کمتر دیده شده زنان بوده که از فرصت طرح ملی گفتمان تجددخواهی بهره گرفته و کوشیده به صورت‌بندی سنخ آرمانی مطلوب بپردازد. میزان موفقیت این گفتمان‌سازی را باید بر اساس دایره مخاطبان و قدرت رسانه‌ای نشریات پرمخاطب دانست؛ اما آنچه غیرقابل کتمان است پیشنازی مطبوعات زنان در طرح مباحث مربوط به تحولات جنسیتی در نوعی جامعه شرقی است.

۲-۲-۵: تحول مناسبات جنسیتی در عرصه خصوصی و خانواده

بعد مهم دیگر از وجوه ژاپن به مثابه جامعه آرمانی تحولات ارزشی، نگرشی جامعه و از جمله مردان در قبال زنان و موقعیت اجتماعی بوده است. به‌زعم مطبوعات زنان در ایران، این تغییر نگرش هم‌زمان با تغییر نگرش در عرصه خصوصی متحول ساخته و هم‌زمان با تغییر نگرش در حوزه عمومی، مناسبات جنسیتی و نظم متناظر با آن را به دنبال داشته است.

«انقلاب نسوان ژاپن در ۳۵ سال قبل در تمام جریده بیفون [ناخوانا] یک نفر دکترس وجود نداشتند. ولی امروزه زنان و دختران جوان ژاپن در جامعه دوش به دوش مردان کار می‌نمایند. مواعی که در جلوی ترقی زنان ژاپن واقع بود دو چیز بود: یکی مردان ژاپنی که مانند تیغ سد قوی در جاده ترقی نسوان بودند و معتقدند که رفتار و تحکم آنان به زنانشان باید نشان دهد که آنها ژاپنی هستند. دوم شدت پستی و منتهای خفت اوضاع اجتماعی آنها بود. اولاً قبل از ازدواج زن ژاپنی کاملاً مطیع اراده و اوامر و نواهی پدر بود و ثانیاً همین که به خانه شوهر می‌رفت مطیع پدر شوهر و مادر شوهر و شوهر بایستی باشد و ثالثاً در هنگام بیوه زنی به همان درجه مطیع پسران خویش. کتابی که مانند کتاب آسمانی برای هدایت زنان ژاپن نوشته شده به نام اونا دیکاکو موسوم بود یک عبارت برجسته آن این است که می‌گوید: زن خداوند مخصوصی ندارد و بایستی به شوهر خود به چشم خداوندی نگریسته و بدون اینکه او را حقیر شمرده یا خیال تحقیر او را نماید منتهای احترام و پرستش را باید نسبت به او اجرا نماید. اطاعت بزرگترین تکالیف یک زن به شمار می‌رفت. در ۴۰ سال قبل کارهایی که زنان ژاپن می‌توانستند بدان اشتغال جویند عبارت از قابلگی، تعلیم موسیقی و رقص، تعلیم آداب نوشیدن چای، باغبانی، تربیت گل

و پیش‌خدمتی بود؛ اما امروز به طریق حیرت موانع را از جلوی خود برداشته و در کارهای بزرگ شرکت جستند.» (عالم نسوان، ش ۸ و ۷، ۱۳۰۶: ۲۶۶-۲۶۵)

تحول نگاه به زنان و اثرات آن در خانواده و اشتغال به‌زعم مطبوعات زنان در ایران خود را نشان داده و راه را برای تغییرات اجتماعی کلان این کشور گشوده: «پیشتر دختران بعد از تمام کردن دوره ابتدایی و دوره چهار پنج ساله مدرسه عالی صدی نود به غیر از تشکیل خانواده از آنها انتظاری نمی‌رفت. یگانه تکلیفی را که باید گردن بگیرند همان وظیفه زوجیت و مادری بود. تأسیسات عالی که برای تربیت نسوان شده بود منحصر به دو مدرسه عالی و چند باب مدرسه خصوصی بود. بدبختانه میان بیست هزار نفر فارغ‌التحصیل مدارس دخترانه شاید یک نفر فرصت استفاده از این مدارس را نداشت... دیپلم مدرسه عالی با وجودی که دلیل بر توسعه فکر و داشتن معلومات کافی نبود جزو جهیزیه یک دختر محسوب می‌شد. داشتن معلومات برای یک دختر ژاپنی چندان مفید نبود و در بازار ازدواج بر قدر و قیمت او نمی‌افزود. مردان ژاپنی زنان را رفیق و هم‌فکر خود نمی‌دانستند و فقط چیزی که از آنان متوقع بودند این بود که آنها لوازم آسایش شوهران خویش را فراهم نموده، مادر برای اطفال آنها باشند... امروز در یک دنیای جدید زندگانی می‌کنیم و علایمی در دست داریم که از این به بعد زنان ژاپون حرکات مستبدانه شوهران و برادران خود را مثل سابق با فروتنی تحمل نمی‌کنند. ترقی صنعت و روابط تجاری ژاپون با سایر ملل دامنه شغل و هنر را به اندازه بسط داده که نسوان در بسیاری از کارهای مردانه دخالت پیدا کرده‌اند. البته این قبیل کارهای مستلزم معلومات عالی تری است. برای نیل به این مقصود مدرسی تأسیس شد که دو سال بر دوره تحصیل افزود. رفته‌رفته دختران اهمیت تحصیل را درک نموده دیگر به اخذ دیپلم ناقصی که برای آنها سرمایه بازار مزاجت شمرده می‌شود، قانع نیستند و نه فقط خود را قابل کسب معیشت نمودند؛ بلکه آزادی خود را با زحمات چندین سال تحصیل خریدار شدند و در موقع لزوم می‌توانند از همسری اشخاصی که پدرانشان بدون رضایت آنها انتخاب می‌کنند امتناع کنند... حتی وزارت معارف ژاپون این نکته را دانسته است که مملکت بر حفظ مقام و مرتبه خود در میان ملل عالم قادر نخواهد بود؛ مگر اینکه زنانش قدم اولین را به اصلاح حقیقی بردارند و خود را قابل شراکت در کارهایی که سابق منحصر به مردان بود، بنمایند.» (عالم نسوان، ش ۱، ۱۳۰۰: ۲۹-۲۸) بر این اساس موضوع تحصیلات عالی مؤید حضور زنان در بازار کار از یک سو و موجب حق انتخاب در ازدواج است و می‌تواند زندگی خصوصی و عمومی زنان را آنچنان که در ژاپن تجربه می‌شود، متحول سازد. در جریان این تغییرات اجتماعی گسترده مطبوعات زنان به اهمیت نقش تعلیم زنان و آموزش نیروی

کار و عرصه‌گشایی بازار کار بر آنان تأکید دارد: «در حال حاضر زنان ژاپن پایه خود را به مقام مردان رسانده و برای حیات ملی مساعی جمیله به کار برده تربیت و تعلیم را اولین وسیله پیشرفت منظور خود که آزادی نسوان مملکت است، قرار داده‌اند. امروز در سرتاسر مملکت مزبور پسر و دختر مجبور به تحصیلات ابتدایی هستند و غیر از مدارس ابتدایی مدارس عالیه دیگری هم برای دختران افتتاح گردیده و عده آنها روزبه‌روز رو به تزاید است و بالاخره مردان نیز در سایه تعلیم و تربیت فهمیده‌اند که علاوه بر مادر بودن وظایف دیگری هم به عهده زنان محول است. زنان نیز حاضر شده‌اند زیاده از آنچه که از ایشان منظور بوده است، انجام دهند و امروز دارای حرفه گردیده و عده آنهايي که داخل دنیای تجارت شده‌اند دائماً در تضاعد است. جرائد عمده آن مملکت امروز دارای مدیران مخبران و نویسندگان زن هستند. ماشین‌نویس‌ها و پرستاران تعلیم‌یافته مملکت مزبور را نسوان تشکیل می‌دهند و تقریباً یک میلیون زن در کارخانجات و غیره مشغول استفاده از نعمت آزادی و تکثیر ثروت مملکت هستند. اشتغال آنان به این کارها، رشته‌های پوسیده عقاید و افکار قدیمه را راجع به ضعف و حقارت زنان که چون صخره‌های عظیم سد راه ترقی و تعالی آنان بوده، پاره نموده است.» (عالم نسوان، ش ۴، ۱۳۰۷: ۱۵۰)

با انعکاس گزارش موفقیت‌های زنان ژاپن می‌توان دید الگوی مرجح زن در جامعه آرمانی ژاپن، زنان تحصیلکرده و شاغلی هستند که به تبع احراز چنین نقشی، پایگاه اجتماعی در حوزه عمومی را از آن خود ساخته‌اند. تلازم این احراز، تغییر نگرش مردان به ظرفیت‌ها و استعدادهای زنان از یک سو و ادراک توانمندان زنان از توانایی‌هایشان بوده است.

۳-۲. چهره‌های موفق زنان

مطبوعات زنان در تکمیل تصور مخاطبان خود از وضعیت زنان در ژاپن به‌عنوان جامعه آرمانی به معرفی برخی چهره‌های موفق زن نیز پرداخته‌اند تا مصادیق عینی از شخصیت‌های الگو نیز ارائه دهند. از جمله می‌خوانیم: «مشهورترین دختران در این جماعت [مشتاق تحصیل طب] میس تاتسکو بود که پس از اتمام تحصیلات طب در ژاپن برای تکمیل آن به اتازولی رفت. او دختر یکی از کشیشان بود و در معبد بودا متولد شده بود. تحصیل و عملیات او بهترین نمونه احساسات و انقلابات زنانه ژاپن می‌باشد.» (عالم نسوان، ش ۷ و ۸، ۱۳۰۶: ۲۶۶)

عالم نسوان در معرفی یکی از چهره‌های فعال اجتماعی زنان مادمازل هایشی به تفصیل می‌آورد: «او برای اصلاحات اجتماعی ترک لذایذ دنیوی را ترک گفته و تاکنون که پنجاه‌وپنج سال دارد تمام هم خود

را مصروف به خدمت مردم نموده است. مثلاً درحالی که خود در نهایت فقر و فاقه می زیست، برای اطفال فقیر دارالایتامی در شهر اوستکا تأسیس کرده بود. واقعاً زحمات زیادی بر خود هموار می نمود که مایه بسی تعجب می باشد... با وجود اینکه خود به شخصه مالک هیچ چیز نبوده وقتی که ریاست را به دیگری محول کرد دارای سی هزار تومان اثاثیه و محلی با گنجایش صدوسی دختر و پسر بوده. یک دفعه خودش از شدت استیصال دو روزه تمام روزه گرفته، ولی به جهت اطفالی که تحت حراست او بودند بهر نحوی که بود ولو به قرض و نسیه چیزی فراهم کرده که از ایشان سد جوع شود...» (عالم نسوان، ش ۴، ۱۳۰۰: ۲۶) و همچنین این نشریه با انتشار عکسی تمام صفحه می آورد: «جایزه معمولی که از طرف کالج مؤنث هولیوک (Mount Holyke) هر ساله به شاگردی که در امتحان و دوره درس ورزش بهترین نمره باشد در سال ۱۹۲۶، ۱۳۴۴ ه.ق به فومیکومیتانی (Fumiko Mitani) یک دختر ژاپنی داده شده است. این دختر در نتیجه استقامت و استعداد خویش جایزه را از میان جرگه صدها دختر آمریکایی ربود.» (عالم نسوان، ش ۲، ۱۳۰۵: ۶۱)

نتیجه گیری

پژوهش حاضر باتوجه به فقدان پیشینه پژوهشی مرتبط، از نوآوری برخوردار بوده و نشان داد تحولات اجتماعی و مناسباتی جنسیتی متناظر آن در ژاپن در نزد روزنامه نگاران ترقی خواهی که در اندیشه پردازی مطبوعات زنان ایران پسا مشروطه دست داشتند، جایگاه حائز اهمیتی داشته است. این توجه در امتداد اقبال عمومی جامعه ایران آن عهد، به ژاپن و موفقیت هایش قابل طرح و بحث است. بر این اساس به نظر می رسد مطبوعات زنان از فضای فرهنگی و اجتماعی حاصل از موقعیت جامعه ژاپن در نظام بین الملل برای تغییر وضعیت جامعه ایران به نفع زنان بهره گرفته اند. در واقع همزمان با پژواک ژاپن به عنوان نمونه ای مثالی و مترقی در آسیا، کوشیده اند تا توجه مخاطبان را به وضعیت زنان در این جامعه جلب کرده و از این مسیر به مقصود خود که تحقق تحولات اجتماعی در نسبت با زنان و مناسبات جنسیتی است، بهره گیرند. آنان در این میان هم به معرفی برخی چهره های تأثیرگذار زن در جامعه ژاپن پرداخته و هم برخی وجوه و ویژگی های این جامعه مثال وار را از حیث فعالیت و اثربخشی زنان برجسته ساخته اند. برخورداری زنان از حق تحصیل با تأکید بر مضامینی چون تعلیم یکسان در میان مردان و زنان، افزایش دوره تحصیلات دختران برای تحقق سال های تحصیل نسبتاً برابر جنسیتی، تأسیس دارالفنون مخصوص زنان یکی از وجوه متمایز ژاپن معرفی شده است. همچنین با معرفی مشاغل زنان، حضور آنان

در حوزه عمومی و به رسمیت شناخته شدن حق آموزش و اشتغال آنان در این کشور، کاهش تبعیض جنسیتی در حوزه عمومی را ترویج و تشویق کرده است. علاوه بر معرفی مشاغل، آمارهایی از تعداد زنان شاغل داده شده تا حجم حضور زنان در حوزه عمومی نشان داده شده و پویای این کشور برای کاهش شکاف جنسیتی در بازار کار عیان شود. وجه دیگری از حضور زنان در جامعه ژاپن به عنوان حضوری پررنگ و قابل تحسین، مشارکت مدنی زنان در پشتیبانی از نیروهای وطنی درگیر در جنگ با روسیه، پرداختن به امور بشردوستانه و خیریه و مواجهه جدی با آسیب‌های اجتماعی نظیر مصرف مشروبات الکلی و فحشا است. مطبوعات زنان در خلال مباحث مربوط به ژاپن داده‌اند که حضور زنان در عرصه عمومی برای آموزش و تحصیل و نیز اشتغال و ورزش، هم جایگاه آنان را برکشیده و هم موجب تغییر نگرش مردان به ظرفیت‌های آنان بوده است. این تحول ارزشی، نهاد خانواده را درنور دیده و باورهای عمومی قدیمی را که دلالت بر ضعف و حقارت زنان داشته، متحول ساخته است.

نمونه عالی که آنان از جامعه شرقی ژاپن در پیش چشم مخاطبان خود قرار می‌دهند، نوعی برساخت ذهنی از واقعیت‌های عینی جامعه است که به عنوان یک معیار، امکان ارزیابی همانندی‌ها و انحراف‌ها را میسر و خوانندگان و بل آحاد جامعه را به سوی نزدیک شدن به معیارها و تقلیل انحراف‌ها ترغیب می‌سازد. این معیارها همان خصلت‌های نوعی جامعه مترقی است که این بار در قامت جامعه شرقی موفق خود را می‌نمایاند.

به عبارت دیگر مطبوعات زنان با اتخاذ رویکردی آینده‌نگرانه و گرفتن نگاه از غرب و تاباندن آن به آسیا کوشیده‌اند در معرفی ویژگی‌های ترقی‌خواهانه جامعه ژاپن، مسیری روشن در پیش پای فعالان حقوق زنان و مخاطبان ترقی‌خواهی قرار دهند که به تبع تحولات جریان مشروطه‌خواهی، تغییر وضعیت زنان و جامعه را از رهگذر آن می‌جویند. ابعاد الهام‌بخش جامعه مثال‌واره، مصادیقی عینی را در پیش چشم فعالان اجتماعی می‌نهد و از این رو آنان را در تقرب بدان جهت می‌بخشد.

توجه بخشی به ژاپن با در نظر داشتن مسافت بسیار زیاد این کشور از ایران در قالب متن‌های مطبوعاتی، فرصتی برای فرهنگ‌سازی پیشرفت و خودباوری برای ایران است که فراتر از الگوی دول استعمارگر کهنه، الگویی جایگزین با حفظ ارزش‌های محلی و بومی را جستجو می‌کردند.

منابع

- آرون، ریمون (۱۳۷۷). مراحل اساسی سیر اندیشه در جامعه‌شناسی، باقر پرهام، انتشارات علمی فرهنگی.
- بهشتی سرشت، محسن و پرویش، محسن (۱۳۹۴). بررسی مطالبات اجتماعی و فرهنگی زنان در مطبوعات عصر قاجار، زن در فرهنگ و هنر، دوره ۷، ش ۳.
- پیروزی، شادی و هادی میرزائزاد موحد (۱۳۹۳) پیک سعادت نسوان؛ دومین نشریه زنان گیلان، رشت: فرهنگ ایلیا
- پیک سعادت نسوان؛ روزنامه، شماره ۱ تا ۶ (۱۳۰۷-۱۳۰۶).
- ترابی فارسائی، سهیلا (۱۳۸۸). تکاپوی زنان عصر قاجار فردیت جهان سنت و گذر از آن، تاریخ ایران و اسلام، ش ۲.
- زنجان‌زاده هما، باغدار دلگشا علی، (۱۳۹۴) «بررسی جامعه‌شناختی روزنامه‌نگاری زنان در عصر مشروطه؛ با تأکید بر روزنامه زبان‌زنان» مسائل اجتماعی ایران، شماره ۱۷ صص ۶۱-۸۰
- جهان زنان روزنامه، شماره ۱ تا ۵ (۱۳۰۰-۱۲۹۹).
- خانیکی، هادی، کیهانی، معصومه (۱۳۹۱). مدلی برای مطالعه مطبوعات زنان در ایران، مطالعات فرهنگی و ارتباطات، ش ۲۸
- شفیعی، سمیه سادات (۱۳۹۶) تحلیل محتوای پیک سعادت نسوان؛ بایسته‌هایی برای زنان در آغاز عصر پهلوی، فصلنامه مطالعات تاریخ فرهنگی، انجمن ایرانی تاریخ، دوره ۸ شماره ۳۲.
- شفیعی، سمیه سادات (۱۳۹۷) آموزش زنان و تبیین ضرورت آن در مشروطه دوم؛ تحلیل مکتوبات زنان در روزنامه ایران نو، دوفصلنامه پژوهش نامه تاریخ اجتماعی و اقتصادی، دوره ۷ ش ۲.
- شفیعی، سمیه سادات (۱۳۹۸) مسئله زنان و نسبت آن با ترقی ایران در مشروطه دوم؛ تحلیلی بر نشریه نامه بانوان، فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، دوره ۱۵، شماره ۵۷،
- کثیری مسعود و باقری الهه، (۱۳۹۰) «زبان زنان- نشریه‌ای متفاوت در عرصه روزنامه‌نگاری زنان عصر مشروطه» سخن تاریخ، شماره ۱۳ صص ۳-۳۶
- کشاورز، سید بنیامین و چایچی امیرخیز، احمد (۱۴۰۰) بازتاب وقایع ژاپن بر اذهان عمومی اواخر قاجار، پژوهش‌های علوم تاریخی، س ۱۳، ش ۱.
- کلاتری، عبدالحسین و میرزایی، میرزایی (۱۳۹۵). ایده‌آل تایپ شهر اسلامی: با تأکید بر روش شناسی ماکس وبر، روش شناسی علوم انسانی، س ۲۰ ش ۸۹

- عالم نسوان؛ روزنامه، شماره ۱ تا ۱۲ (۱۳۱۲-۱۲۹۹).
- نامه بانوان روزنامه، شماره ۱ تا ۱۱ (۱۳۰۰-۱۲۹۹).
- وبر، ماکس (۱۳۸۴). روش شناسی علوم اجتماعی، حسن چاوشیان، نشر مرکز.
- یوناس، فریدریش (۱۳۸۹). تاریخ جامعه‌شناسی، ترجمه عبدالرضا نواح، نشر رسش.
- Hunter, Janet (1993). *Japanese Women Working*, Routledge.
- Jacob, Frank (2015) *The Alteration of the Image – Women and Japanese Society (1600-2000)*, City University of New York (CUNY)
- Tsurumi, E. P. (1990). *Factory Girls. Women in the Thread Mills of Meiji Japan*. Princeton, NJ: Princeton University Press.
- Niculina Nae (2024) *Historical Roles of Women in Education: A Comparative Analysis of Japan and Romania. Euromentor Journal - Studies about Education* 15 (2) :ISSN 2068-780X
- Watanabe, Yoko (2011) *Women, Work, and Education in Modern Japan An observation of the career life and the social role of Yayoi Yoshioka*, publication at: <https://www.researchgate.net/publication/277122844>

Japan as an Ideal Society in the Mirror of Post-Constitutional Women's Press

Somayeh Shafiei*

Associate research Professor of Institute of Humanities and Cultural Studies

Abstract

A reformist discourse advocating for the changing status of women, with roots in the intellectual developments of the Constitutional Era, gradually matured in response to the domestic and international events of its time. Specifically, influenced by Japan's military and economic successes, this discourse increasingly looked to Japan as a preferred model, seeking to introduce its progressive examples concerning women. This study aims to answer the following questions: What awareness did women in post-constitutional Iranian society have of social changes and corresponding gender relations in Japan? How did they perceive the situation of women in Japan? What were the defining features of this idealized Japanese society? To address these questions, accessible texts published in women's periodicals were selected as the research population and were qualitatively examined using the document analysis method.

Employing Weber's "ideal type" theoretical framework as an analytical tool, this study shows that the authors of these publications, by referencing the status of women in Japanese society across various dimensions—including public education, higher education, employment, and women's sports—and by introducing examples of prominent Japanese women, sought to shape an ideal model of Japan. The presentation of these components as clear and achievable criteria can be interpreted as a conscious effort to guide the mindset of men and women who were proponents of transformation and who looked to the state of Asian societies, highlighting a progressive Eastern model in contrast to advanced Western societies.

The exemplary portrayal of Japanese society as an Eastern model presented to the audience serves as a form of conceptual construction of objective societal realities. This constructed model functions as a standard against which similarities and deviations can be evaluated, encouraging readers and members of society to strive towards these standards and minimize discrepancies. These criteria encapsulate the characteristics of a progressive society, which, in this context, presented itself as a successful Eastern nation. Accordingly, the discourse called for a change in the gender order, positing that Iran's transformation, on the eve of forming a modern state, was contingent upon redefining the role of women and their corresponding

* Email: ss.shafiei@gmail.com

social pillars and functions in both public and private spheres.

Keyword : swomen, public sphere, right to education, employment, gender discrimination, Japan, newspaper, Post-Constitutional